

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۴ اکتوبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۸۶

مُقَطَّعات

۸۷

غزل

شکر یزدان، که دو عید است سعید هردو یگروز؛ به هم گشته قرین
مژده نوشتن ماه سپهر خبر آمدن مهر زمین
او گشاینده دل‌های دژم این نوازنده جانهای حزین
هر دو میمون و مبارک^۱ بادند!!! بر تو، ای مایه عقل و تمکین
تا بود سال و مه، اندر عالم ایزدت باد، نگهدار و^۲ معین

* * *

^۱ "بادند": صیغه تمنائی برای جمع غائب - جمع "باد" - که در هیئت امروری، "باشند" گفته می شود.
^۲ "معین": کلمه عربی و اسم فاعل از مصدر "اعانه" (باب "افعال") و در معنای "مدرس" و "ممد"